



University of qom

A study on the sufficiency of general knowledge or the requirement of detailed knowledge for the amount of mahr al-masmi from the perspective of the jurisprudence of the schools of thought and the laws of the subject

Mohammad Taghi Moradi  ¹

1. Level 4 graduate of seminary and PhD student in Islamic jurisprudence and basics, Qom University, Qom, Iran,
Email: mtmoradi1402@gmail.com

Abstract

Nowadays, dowry covers a significant part of family lawsuits. In some cases, despite the determination of the dowry, part of it remains unknown; such as fifty coins in addition to two hundred thousand tomans per month. In fact, the amount of dowry is only known in general, not in detail. The main issue is the sufficiency of general knowledge or the requirement of detailed knowledge of the amount of the dowry. Does general knowledge of dowry disrupt its establishment and, with the invalidation of the dowry, become a metaphorical dowry or not? The findings of this research, using a descriptive-analytical method, show that general knowledge of the amount of dowry is sufficient and partial ignorance does not disrupt the dowry of the dowry. Although evidence such as narrations involving "a specified reward and a specified term", the need to avoid ghar and the impossibility of fulfilling subsequent obligations when the amount of dowry is unknown, their implication was not sufficient to prove the claim. On the other hand, for the sufficiency of general knowledge in the amount of dowry in establishing it, numerous evidences such as specific narrations, the sufficiency of general knowledge in forbearance contracts, the priority method was established through the legitimacy of assigning dowry in marriage, custom and tradition. Article 1079 of the Iranian Civil Code has also explicitly considered dowry that can partially remove ignorance for the couple to be effective. As a result, the dowry mentioned in the question of this research is effective in the amount of fifty coins along with a monthly payment of two hundred thousand tomans.

Keywords: Ignorance of love general knowledge of love arrogance in love proverbial love Delegation of dowry.

Received: 28/10/2025; Revised: 13/01/2026; Accepted: 13/02/2026; Published online: 15/03/2026

How To Cite: Moradi, MT (2025). A study on the sufficiency of general knowledge or the requirement of detailed knowledge for the amount of mahr al-masmi from the perspective of the jurisprudence of the schools of thought and the laws of the subject. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 2(4), 25-44. <https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.15193.1088>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research





پژوهشی در کفایت علم اجمالی یا اشتراط علم تفصیلی به مقدار مهرالمسمی از منظر فقه مذاهب و قوانین موضوعه

محمدتقی مرادی^۱

۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول): رایانامه: mtmoradi1402@gmail.com

چکیده

امروزه دعاوی مهریه، بخش قابل توجهی از دعاوی خانواده را در برمی‌گیرد. در برخی موارد، علی‌رغم تعیین مهر، بخشی از آن مجهول می‌ماند؛ مانند اینکه پنجاه عدد سکه تمام بهار آزادی به‌علاوه ماهیانه دویست هزار تومان مهر گزارده شود. در این‌گونه موارد، در ابتدای عقد معلوم نیست که تا چند ماه می‌بایست ماهیانه دویست هزار تومان پرداخت شود. به عبارتی، مقدار مهر فقط اجمالاً معلوم است، نه به تفصیل. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا علم اجمالی به مقدار مهر برای استقرار مهرالمسمی کافی است یا علم تفصیلی شرط است و در فرض جهل به بخشی از مهر، مهرالمسمی باطل شده و به مهرالمثل تبدیل می‌گردد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با مراجعه به منابع معتبر فقهی مذاهب اسلامی و مواد قانونی ایران گردآوری شده است. داده‌ها نشان می‌دهد که ادله‌ای همچون روایات متضمن «اجر مسمی و اجل مسمی»، لزوم اجتناب از غرر و عدم امکان ایفای تعهدات بعدی در فرض جهل به مهر، برای اثبات اشتراط علم تفصیلی ناکافی‌اند. در مقابل، ادله متعددی از جمله روایات خاص، کفایت علم اجمالی در عقود مسامحی، طریق اولویت از مجرای مشروعیت تقویض مهر در نکاح، عرف و سیره مستمر عقلائی، بر کفایت علم اجمالی دلالت دارند. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که در نکاح که عقدی مسامحی و غیرمغایبی است، علم اجمالی به مقدار مهر کافی بوده و جهل جزئی به بخشی از آن، خللی در مهرالمسمی ایجاد نمی‌کند. ماده ۱۰۷۹ ق.م.ایران نیز که مقرر می‌دارد «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود، معلوم باشد»، می‌تواند مؤید همین دیدگاه است. نتیجه آنکه مهریه ترکیبی پنجاه عدد سکه به همراه ماهیانه دویست هزار تومان، نافذ بوده و به مهرالمثل تبدیل نمی‌شود.

واژگان کلیدی: جهل به مهر، علم اجمالی به مهر، غرر در مهر، مهرالمثل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۴؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۲/۲۴
استناد: مرادی، محمدتقی. (۱۴۰۴) پژوهشی در کفایت علم اجمالی یا اشتراط علم تفصیلی به مقدار مهرالمسمی از منظر فقه مذاهب و قوانین موضوعه، *آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی*، ۲(۴)، ۲۵-۴۴. <https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.15193.1088>



مقدمه

یکی از شرایط مهر در عقد نکاح، معین بودن آن است؛ یعنی نمی‌توان دو یا چند چیز را به صورت مردد مهر گذاشت. شرط دیگر، علم به مقدار مهریه به عنوان یکی از عوضین قرارداد است. از این رو، فقیهان عنوان داشته‌اند در صورت جهل به مقدار مهر، مهرالمسمی باطل شده و به مهرالمثل تبدیل می‌شود؛ چون امکان قیمت‌گذاری مهر مجهول وجود ندارد (فخر المحققین، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۰۴). در عقد موقت نیز معین نبودن مهر باعث بطلان عقد می‌شود (علامه حلی، بی‌تا: ج ۲، ۲۶).

در برخی موارد، بخشی از مهریه مجهول بوده و به مقدار آن علم تفصیلی وجود ندارد. برای نمونه در پرونده‌ای از دعاوی مطروحه در دادگاه خانواده مهریه زوجه که «پنجاه عدد سکه تمام بهار آزادی و مبلغ ماهیانه دویست هزار تومان پول نقد» است، مطالبه شده است. هرچند مبدأ شروع پرداخت دویست هزار تومان، منطبق با عنوان کلی مهر از همان زمان عقد است، تعداد ماه‌هایی که می‌بایست این مبلغ پرداخت شود معین نبوده و باعث جهل می‌شود. جهل به بخشی از مهریه نیز کل مهر را مجهول می‌کند. حال باید دید سرنوشت مهرالمسمی چه می‌شود؟ بنابراین مسئله اصلی، کفایت علم اجمالی به مهرالمسمی یا لزوم علم تفصیلی به مقدار آن است. در واقع آیا جهل به بخشی از مهریه، باعث سرائت جهل به کل مهر و در نتیجه، باعث بطلان مهرالمسمی و تبدیل آن به مهرالمثل می‌شود یا نه؟ آیا همان‌طور که مهر گذاشتن اعیان بدون مالیت مانند خمر، باعث تبدیل به مهرالمثل می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۱۶۵) جهل به بخشی از مهر نیز آن را به مهرالمثل تبدیل می‌کند یا نه؟ وقتی مهرالمسمی به خاطر جهل، قابل ادا نبود و از طرفی هم وطی محترم نمی‌تواند بدون عوض باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۱۶۴) آیا مهرالمسمی به مهرالمثل تبدیل می‌شود یا نه؟

برخی فقیهان با طرح عنوان کلی «ضمیمه شدن مال مجهول به مال معلوم در مهریه» از احتمال بطلان جمیع مهر و رجوع به مهرالمثل در صورت زناشویی یا به صورت مطلق سخن گفته‌اند. احتمال دیگر نیز الزام به مقدار مهر معلوم و کمترین مقدار از مال به جای بخش مجهول مهر است؛ در واقع، قدر متیقن از همان مقدار مجهول باید ادا شود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۰۷). در این مقاله، وضعیت چنین مهری ارزیابی می‌شود. هدف از نگارش این مقاله، تحلیل دعاوی مطروحه پیرامون «مهر ۵۰ سکه تمام بهار آزادی به علاوه ماهیانه دویست هزار تومان» است.

طبق بررسی‌های صورت گرفته، برخی از مقالاتی که در این باره نگاشته شده‌اند عبارت‌اند از: ۱. مقاله «تأملی در مهریه غرری با رویکردی به شرط عندالاستطاعه» توسط آقای و روحانی مقدم در مجله علمی پژوهش‌های فقهی، ۱۳ (۲)، تیر ۱۳۹۶ که در پی اثبات شبهه غرری بودن تقیید مهریه به قید عندالاستطاعه نگاشته شده است؛ ۲. مقاله «عقد غرری و اثر آن در نکاح از دیدگاه فقهای امامیه و حنفیه» توسط عبدویی و رنجبر در فصلنامه مطالعات زن و خانواده ۶۵ (۱۷)، مهر ۱۴۰۳ که در پاسخ به نهمی از غرر در نکاح نگاشته شده است؛ ۳. مقاله «نگاهی دیگر به ضابطه کفایت علم اجمالی در «مورد معامله: تفسیر ماده ۲۱۶ قانون مدنی بر مبنای قاعده غرر» توسط سید حسین صفایی در مجله تحقیقات حقوقی، آذر ۱۳۹۱ که عهده‌دار ضابطه‌یابی برای کفایت علم اجمالی در «مورد معامله» با محوریت تفسیر ماده ۲۱۶ قانون مدنی ایران بر مبنای قاعده غرر است.

دو مقاله اول، امکان غرر در نکاح را ارزیابی کرده و ماهیت معاوضی آن را واکاوی کرده است. موضوع این مقاله با بررسی جهل به مهر، اعم از غرر است. موضوع مقاله سوم، فنی‌تر انتخاب شده، متنها مربوط به عموم معاملات است، بدون تمرکز بر نکاح. این مقاله، خلأهای نوشته‌های پیشین را مدنظر قرار داده و با نگاهی جامع و ضمن بررسی متون فقهی مذاهب اسلامی و مواد قانونی برخی کشورهای اسلامی، مسئله خاص «جهل به بخشی از مهر» را در ضمن یکی از پرونده‌های قضایی بررسی می‌کند. مقاله‌ای با عنوان «بررسی مهریه مجهول از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران» نیز توسط جمالی و صالحی در شماره ۳۱ مجله مطالعات حقوق، زمستان ۱۴۰۱ منتشر شده که جز در برخی استثنائات خاص، وجود علم تفصیلی در مهریه را ضروری دانسته است. این نوشتار، نتایج جدید و خلاف دستاورد این مقاله را ارائه می‌دهد. جهت تبیین زوایای بحث در این نوشتار، ابتدا ماهیت جهل و اقسام آن بحث شده است. سپس ادله اشتراط علم تفصیلی به مهرالمسمی و در گام آخر، ادله کفایت علم اجمالی به مهرالمسمی واکاوی شده است تا امکان نتیجه‌گیری میسور گردد.

۱. مفاهیم

برای تبیین صورت مسئله و بررسی تأثیر جهل به بخشی از مهر در بطلان مهرالمسمی، ابتدا ماهیت جهل و معنای مهرالمسمی بیان می‌گردد.

۱-۱. علم اجمالی و تفصیلی

علم اجمالی، مقابل علم تفصیلی و به معنای علمی است که آمیخته با نوعی تردید و ابهام است. همچنین می‌توان گفت: علم اجمالی، علمی (قطعی) است که بین دو یا چند چیز مردد است، مثل آنکه شخصی به وجود خمر در یکی از دو ظرف موجود نزد او علم دارد، اما نمی‌داند به‌طور معین در کدام یک از آن‌ها خمر است. به عبارتی در برخی موارد، بخشی از شیء معلوم و بخشی از آن مجهول است. چنین معلومی را معلوم به اجمال و چنین علمی را علم اجمالی می‌گویند. در مقابل علم تفصیلی، به معنای روشن بودن امری از تمام جهات است که همه بخش‌های شیء مورد نظر معلوم است.

در منابع فقهی از جهل فاحش و جهل یسیر به مهر سخن گفته شده است. در جهل فاحش، جنس یا نوع یا مقدار مهر به کلی مجهول است. برای نمونه اگر مهریه، یک وسیله نقلیه یا یک حیوان یا یک خانه باشد جهل فاحش وجود دارد. در جهل یسیر، جنس و نوع مال معلوم است و فقط اوصاف آن ناشناخته است (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۵۷).

۲-۱. مهرالمسمی

مهر عبارت از مالی معین است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۳۸؛ زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۴۷). گاهی نیز خارج از چارچوب عقد نکاح به خاطر وطی محترم همچون وطی به شبهه، چنین الزامی پیش می‌آید (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۴۷). واژه‌های صدق، فریضه، نحله و کابین در فارسی، به جای مهر استفاده می‌شوند.

مهر بر دو نوع است: مهرالمسمی و مهرالمثل. هرچند در ماده ۱۱۰ ق.م.ایران، واژه مهرالمسمی به کار رفته، قانون مدنی آن را تعریف نکرده است. مطابق ماده ۳۹ قانون احوال شخصی اردن، «مهرالمسمی، مهری است که طرفین عقد نکاح آن را موقع عقد مشخص می‌کنند؛ چه کم باشد و چه زیاد». در واقع، مهرالمسمی، عبارت از مال معینی است که به‌عنوان مهر با توافق زوجین تعیین می‌شود یا شخصی که زوجین انتخاب کرده‌اند معین می‌کند (صفایی و امامی، ۱۳۷۶: ۱۴۹). اگر تعیین مهر به شخص ثالث واگذار گردد او آزاد خواهد بود هر مقدار که بخواهد مهر قرار دهد، ولی اگر خود زوجه مأمور تعیین مهر گردد بر اساس ماده ۱۰۹۰ ق.م.ایران، نمی‌تواند بیش از معمول عرف مهر قرار دهد.

در مقابل مهرالمسمی، مهرالمثل، عبارت از مقدار مالی است که به‌عنوان مهر، برای امثال و اقربان زن مزبور در نکاح معین می‌گردد (امامی، بی‌تا: ج ۴، ۴۱۹؛ شربینی، ۱۴۳۰: ج ۴، ۳۰۸؛ زحیلی، ۲۰۰۸:

ج ۷، ۲۶۱). ماده ۳۹ قانون احوال شخصی اردن بیان می‌دارد: «مهری است که با لحاظ نزدیکیان و خویشان زوجه در موارد خاصی همچون فساد مهرالمسمی تعیین می‌شود». ماده ۱۰۹۱ ق.م.ایران در این باره مقرر می‌دارد: «برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقران و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود».

۲. ادله اشتراط علم تفصیلی به مهرالمسمی

برخی از ادله‌ای که بر لزوم علم تفصیلی به مهر و به دنبال آن، سببیت جهل به مهر در بطلان مهرالمسمی و تبدیل آن به مهرالمثل می‌توان اقامه کرد عبارت‌اند از:

۲-۱. ادله روایی خاص

در بعضی از روایات، تعبیراتی از قبیل «اجر مسمی و اجل مسمی» آمده است که نشان می‌دهد مهر باید معلوم باشد. برای نمونه، در روایت صحیح زراره از امام صادق (ع) آمده است: «لا یكون متعة إلا بأمرین: أجل مسمی و أجر مسمی» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۷، ۲۶۲)؛ قوام متعه به دو چیز است: زمان معلوم و اجر معلوم. در معتبره محمد بن اسماعیل از امام رضا (ع) نیز آمده است: «إذا كان شيئاً معلوماً إلى أجل معلوم» (حرعاملی، ۱۳۷۴: ج ۲۱، ۵۸).

پاسخ اینکه از این تعابیر استفاده نمی‌شود که تعیین حد و حدود دقیق نیز ضرورت دارد. در بسیاری از روایات نظیر «إذا كان شيئاً معلوماً إلى أجل معلوم»، واژه «معلوم» به کار رفته که دلالت بر لزوم معلوم بودن جنس مهریه دارد؛ یعنی روشن باشد که آیا مهریه، زمین است یا باغ، کتاب است یا انجام عملی معین. علاوه بر جنس باید به اندازه‌ای که عرف لازم می‌داند، اطلاعات بیشتری درباره مهریه وجود داشته باشد. برای مثال اگر مهریه، زمین قرار داده شود، زن باید بداند که عَوْض، زمین است؛ اما اگر زمینی باشد که اندازه آن یک متر مربع یا یک هکتار نامشخص باشد، چنین مهریه‌ای حتی از دید عرف نیز پذیرفته نیست، اما اگر صرفاً روشن باشد که زمین مورد نظر، همان مهریه است و زوجین نداند که دقیقاً یک صد متر است یا سیصد متر، اشکالی ندارد؛ زیرا از نظر عرف صحیح است و عمومات ادله نکاح آن را تأیید می‌کند. دلیلی نیز برای تقیید و تشدید این شرط وجود ندارد؛ برخلاف باب بیع که باید مساحت محاسبه و حدود آن به گونه‌ای مشخص شود که از غرر در امان باشد (زنجان، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ۶۰۳۷).

پاسخ دوم این که این روایات، مختص نکاح موقت هستند و نمی‌توان الغای خصوصیت کرده و به عقد دائم تعمیم داد؛ زیرا مهر در متعه، ماهیت اجر در اجاره را گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۹: ج ۱۰، ۲۷۸)، هر چند عین آن نیست. از این رو، شباهت شدیدی به معاوضات دارد. تعبیر «اجر مسمی» که معنایش معلوم بودن آن است، نکاح موقت را به اجاره تشبیه کرده و در اجاره به یقین باید هم مدت معین باشد و هم اجرت (مکارم، ۱۴۲۴: ج ۵، ۳۶).

۲-۲. لزوم اجتناب از غرر

غرر در عوضین، ریسک و خطری است که طرفین عقد را از انعقاد آن بر حذر می‌دارد (کاسانی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۱۶۳). ماده ۱۹۰ ق.م.ایران، معین بودن مورد معامله را یکی از شرایط اساسی صحت معامله دانسته است. در واقع قانون مدنی ایران به پیروی از قول مشهور فقیهان، مردد بودن مورد معامله را موجب غرر دانسته و چنین معامله‌ای را باطل می‌داند. با تنقیح مناط، شرط مذکور در این ماده در تمامی عقود، اگرچه از معاملات حقیقی نباشد، رعایت خواهد شد. علاوه بر آن مهر تا جایی که با جنبه عمومی نکاح منافات نداشته باشد تابع احکام معاملات است. بنابراین نمی‌توان یکی از دو بنا یا باغ را به طور تردید - و لو من جمیع الجهات یکسان باشند - مهر قرار داد (امامی، بی تا: ج ۴، ۳۸۰ - ۳۸۱). برخی فقیهان در مهر گزاردن تعلیم بخشی از قرآن، به لزوم تعیین آن توسط زوج برای اجتناب از غرر در نکاح تصریح کرده‌اند (کاشف الغطا، ۱۴۲۲: ۲۰۷).

گذشته از معین بودن، معلوم بودن نیز همین خصوصیت را دارد. با توجه به اینکه علم اجمالی به مهر و مجهول بودن بخشی از آن، منتهی به غرر می‌شود می‌بایست چنین مهری باطل بوده و مهرالمثل جایگزین آن شود.

پاسخ اینکه اگر مهر به کلی مجهول باشد، غرر در آن رخ می‌دهد، وگرنه در صورت علم اجمالی به مقدار مهر غرر رخ نمی‌دهد. در اینکه چگونه ممکن است با علم اجمالی غرر رخ ندهد، باید به ماهیت غرر توجه داشت؛ چراکه اگر مراد از آن، خطر و ما لا یومن معه الضرر باشد (امام خمینی، ۱۳۹۸: ج ۳، ۳۶۲). جهل اجمالی آن هم در عقدی همچون نکاح، عرفاً خطرآفرین نیست و اگر مراد از آن جهل باشد. فقیهان در تأثیر جهل در تبدیل مهرالمسمی به مهرالمثل این مثال را عنوان کرده‌اند: «کأن یقول زوجته بشيء» (فخر المحققین، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۰۴؛ زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۵۷). واژه شیء، هیچ راهی برای تعیین مهر مسمی ندارد و فقط این معنا را می‌رساند که بضع، تفویض نشده است. ماده ۲۱۶ ق.م.

ایران نیز که می‌گوید: «مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است»، به نظر می‌رسد ماده ۱۰۷۹ همین قانون، مهر را به‌عنوان یکی از موارد خاصه قلمداد کرده و می‌گوید: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود معلوم باشد». این برداشت از فقره «... تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود...» استظهار شده است. درواقع، غرر جزئی در برخی عقود از جمله نکاح پذیرفته شده است (نیآوردی، ۱۴۱۹: ج ۵، ۶۷).

پاسخ دیگر اینکه دلیل مطلق در غرر وجود ندارد تا بتوان از بیع به ابواب دیگر تعدی کرد، جز در بطلان اجاره غرری و مانند آن، البته نه به خاطر اطلاق لفظی دلیل نهی از غرر، بلکه چون بطلان اجاره غرری، مورد تسلّم عامه است و چنین اموری چنانچه مورد ردع قرار نگیرد معلوم می‌شود مورد امضای ائمه (ع) است. بنابراین غرر در معاوضات حقیقی مانند اجاره و مانند آن، مبطل است، ولی در نکاح، دلیلی بر بطلان مهریه غرری وجود نداشته و اطلاق لفظی ادله ناهیه از غرر شامل نکاح نمی‌شود (زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ۶۰۳۸). قصد اصلی در نکاح، مال نیست. ازاین‌رو، نوعی از تسامح که در معاوضات مالی از آن اجتناب می‌شود در نکاح، اشکالی ندارد. البته جهل فاحش ایراد دارد (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۵۷).

چه بسا استدلال شود که فقیهان، عکس مسئله این پژوهش را با عنوان ضمیمه معلوم به مجهول (فخر المحققین، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۰۴) بیان کرده‌اند. در این فرض، مهریه اصلی، مجهول بوده و مالی معلوم به آن ضمیمه می‌شود که احتمال بطلان مهرالمسمی در کل «اصل مجهول و ضمیمه معلوم» همچنان پابرجاست؛ چون کل این مال (مجهول + معلوم) مهرالمسمی قرار داده شده و جهالت جزء اعظم از این کل، باعث جهالت مقدار کل مهر می‌شود. جهل به کل مهر نیز باعث جایگزینی آن با مهرالمثل می‌شود (فخر المحققین، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۰۴). فقیهان در بطلان بیع مجهول به ضمیمه معلوم عنوان داشته‌اند ضم معلوم به آن، مجهول را از جهالت خارج نمی‌کند. بنابراین مجموع، همچنان مجهول می‌ماند (شیخ انصاری، ج ۴، ۳۰۷).

پاسخ اینکه وقتی اصل مجهول است، معلوم بودن ضمیمه نمی‌تواند آن را معلوم کند، ولی در عکس آن می‌توان نسبت به اصل، قرارداد را پذیرفت. تمایز سوژه این مقاله با عناوین مربوط به مجهول بودن اصل با مثال‌هایی همچون فروش ماهی‌های داخل نيزار به ضمیمه‌نی‌ها و فروش شیر در پستان به ضمیمه شیرهای دوشیده شده و... که در کتب فقهی آورده شده (رک: شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۰۷)، روشن می‌شود. در این قبیل، هرچند ضمیمه معلوم باشد، از اصل، رفع جهالت نمی‌کند، ولی در مهر

«پنجاه سکه به انضمام هر ماه دویست هزار تومان»، بیشتر جهالت برطرف شده است. برخی فقیهان نیز در صورتی که مجهول، تابع معلوم باشد بیع را صحیح دانسته‌اند (رک: محقق ثانی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۱۱۰؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۰۷). از الغای خصوصیت و بالاتر از آن، قیاس اولویت می‌توان در نکاح نیز معلوم بودن اصل را کافی دانست؛ چراکه بیع، عقدی مغابنی و نکاح، عقدی مسامحی است.

۲-۳. عدم امکان ایفای تعهدات بعدی با مجهول بودن مقدار مهر

فقیهان عامه در باب بیع، در لزوم معلوم بودن اوصاف مبیع و مانعیت جهل بیان داشته‌اند: «جهل به اوصاف، به منازعه طرفین عقد منجر می‌شود. اگر اوصاف معلوم نباشد هر یک از بایع و مشتری می‌تواند کالای خاصی را مدنظر قرار دهد» (کاسانی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۱۶۳).

در موارد جهل به بخشی از مهریه نیز امکان ایفای تعهد یا استیفای آن وجود نخواهد داشت. برای نمونه، اگر حتی بخشی از مهر مجهول باشد، تلف قبل از تسلیم و طلاق قبل از دخول، مشکل‌ساز خواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۳۵: ج ۳، ۲۶۷). در سؤال این پژوهش نیز وقتی مبلغ ماهیانه، مجهول باشد، زوج نمی‌داند بالاخره چه مبلغی را باید به‌عنوان مهریه پرداخت کند. اگر قبل از زناشویی طلاق بگیرند وی بالاخره چه مبلغی را باید به‌زوجه پرداخت کند؟ این اشکال با تملک کل مهر با انشای عقد آشکارتر می‌شود. فقیهان شافعی و حنبلی نیز معتقدند جهل به اوصاف مهر، مهر مسمی را باطل می‌کند؛ چراکه باعث منازعه بین طرفین می‌شود (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۵۷).

پاسخ اینکه در عقود مغابنی که ماهیت آن‌ها، سودآوری است، چنین نزاعی مسلم است، ولی در عقود مسامحی که مبتنی بر گذشت است به خاطر جهل به بخشی از مهر، اختلافی بین دو طرف رخ نمی‌دهد (رک: محقق ثانی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۲۰). شاهد این امر، رواج مهر گزاردن اموالی همچون باغ و... بدون آگاهی دقیق از مترائ آن است.

۳. ادله کفایت علم اجمالی به مهر المسمی

هرچند نکاح یکی از عقود عنوان‌شده و شرایط و خطوط کلی آن از نهاد قراردادهای متأثر است، ذات این عقد متفاوت از عقود معاوضی محض است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۱۶۳). فقیهان نیز بر جنبه‌های عبادی داشتن نکاح تصریح کرده‌اند (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۶۹). فقهای مالکی و حنفی، جهل پسیر به مهر را که جنس و نوع مال معلوم است، ولی اوصاف آن ناشناخته است، پذیرفته‌اند و معتقدند باید حد وسط از هر نوعی به‌عنوان مهر پرداخت شود تا اجحافی به‌زوجه صورت نگیرد (زحیلی، ۲۰۰۸:

ج ۷، ۲۵۷؛ جزیری، ۱۴۱۹: ج ۴، ۱۶۹). فقیهان حنبلی نیز علی‌رغم نپذیرفتن مهریه مجهول، جهل یسیر را پذیرفته و برای رفع آن راه‌های مختلفی همچون قرعه را عنوان کرده‌اند. برای نمونه، اگر یک رأس شتر از گله شترهای زوج، مهر گزارده شود، صحیح است و این رأس واحد غیرمعین، با قرعه مشخص می‌شود (جزیری، ۱۴۱۹: ج ۴، ۱۷۰). بنابراین در عبارت رایج عقد نکاح: «زَوْجَتِكَ نَفْسِي عَلِي الْمَهْر الْمَعْلُوم»، معلوم بالاجمال هم کافی است و علم تفصیلی لازم نیست. برخی از ادله صحت جهل در بخشی از مهر و به عبارتی، کفایت علم اجمالی به مقدار مهر عبارت‌اند از:

۳-۱. روایات خاص

در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل شده است که زنی نزد رسول خدا آمد و از او خواست وی را به ازدواج مردی دریاورد. پیامبر خدا درخواست آن زن را مطرح کرد. مردی اعلام آمادگی کرد و گفت: ای رسول خدا! او را به من تزویج کن. حضرت از مقدار مهریه‌ای که می‌توانست بدهد پرسید. جواب داد: مالی ندارم مهر او قرار دهم. حضرت مجدد درخواست آن زن را مطرح کرد و آخرش جز این مرد، کسی اعلام آمادگی نکرد. رسول خدا به او فرمود: «أَتُحْسِنُ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْئًا؟» آیا چیزی از قرآن بلد هستی؟ سپس در مقابل تعلیم مقداری از قرآن که بلد بود، آن زن را به همسری این مرد تزویج کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۳۸۰؛ حرعاملی، ۱۳۷۴: ج ۲۱، ۲۴۲).

ظاهر صحیح آن است که غرر در مهر عقد دائم جایز است؛ زیرا پیامبر خدا از مرد پرسید که از قرآن چیزی بلد هستی؟ او هم فقط گفت: بله و مقدار آن را مشخص نکرد. پیامبر خدا نیز بدون آنکه علم پیدا کند که چه مقدار از قرآن را می‌داند، تعلیم مقداری را که بلد است مهر قرار داد. هرچند مورد این روایت صحیح، قرآن است با الغای خصوصیت، به هر چیز دیگری که مالیت داشته و مهر قرار گیرد، تعمیم می‌یابد.

اشکال استدلال به این روایت این است که تعلیم قرآن از مقوله «فعل» است و از کفایت علم اجمالی در آن نمی‌توان جهل در مهریه مدنظر در سؤال پژوهش را که از مقوله «عین» است استنباط کرد. پاسخ اینکه هرچند علم تفصیلی به «فعل» به سهولت علم تفصیلی به «عین» و مال مشخص نیست، بالاخره خود فعل از جهت زمان و متعلق فعل، معلوم و مجهول دارد که به در عقد اجاره به تفصیل مطرح می‌شود. بنابراین، اینکه رسول خدا (ص) هیچ مقداری از تعلیم را برای ادای مهر معلوم نکردند، نشان

می‌دهد رفع غرر کلی در مهر کافی است؛ یعنی همین که معلوم شد تعلیم قرآن است، نه تعلیم خیاطی مثلاً، کفایت می‌کند.

۲-۳. کفایت علم اجمالی در عقود مسامحی

فقیهان یکی از شروط عوضین در بیع را علم به مقدار آن‌ها دانسته‌اند (میرزای شیرازی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۷). از این رو، جهل به عوضین به خاطر حصول غرر، یکی از موانع صحت قراردادهای معاوضی است. قانون مدنی ایران در ماده ۳۴۲ عنوان داشته است: «مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است». این حساسیت در آگاهی به مقدار، مختص عقود مغابنی است. در مقابل عقود مسامحی از منظر عرف، غرر جزئی را برمی‌تابند.

معلوم بودن، یکی از شرایط مهر است (مکارم، ۱۴۲۴: ج ۵، ۳۶؛ زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۵۴) و این شرط از جهت «نص و فتوی» روشن بوده و اختلافی در آن نیست (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۲۰؛ زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ۶۰۳۶)؛ یعنی مرد نمی‌تواند بگوید لباس را مهر قرار دادم و باید با ذکر وصف، کیل، وزن، تعداد و مشاهده، میزان آن مشخص شود. باین حال، فقیهان تصریح کرده‌اند که در مهر که عوض نکاح است مشاهده عین شخصی، جای اعتبار با کیل و وزن و عدد را می‌گیرد، هر چند سنجش آن عین در بیع با کیل، وزن یا عدد رایج باشد (شهید ثانی، ۱۴۳۵: ج ۳، ۲۶۷؛ حائری، بی‌تا: ۵۴۹؛ کاشف‌الغطا، ۱۴۲۳: ج ۴، ۱۴۰). برای نمونه، مهریه گزاردن یک تکه از طلای مورد مشاهده که وزن آن معلوم نیست، صحیح است، هر چند طلا، وزنی است (شهید ثانی، ۱۴۳۵: ج ۳، ۲۶۷). همچنین می‌توان یک مشت گندم موجود حاضر را مهر گزاردن (حائری، بی‌تا، ۵۴۹). صحت مهر گذاشتن منافع حر هم نوعی پذیرش کفایت علم اجمالی در مهر است (رک: علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۱۴۹). همچنین بیان شده است: در باب نکاح، دلیلی بر بطلان مهریه‌ای مانند زمین یا باغ که مقدار آن (از قبیل مساحت) صرفاً با مشاهده مشخص شده باشد، وجود ندارد. از آنجا که تعیین چنین مهریه‌ای به روش مشاهده نزد عرف پذیرفته شده است، عمومات و اطلاقات ادله نکاح شامل آن می‌گردد. بنابراین به دلیل فقدان دلیل بر ناکافی بودن مشاهده، بر پایه همان عمومات و اطلاقات، چنین عقد نکاحی صحیح است (زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ۶۰۳۷) و این مهر باطل نخواهد بود.

امام خمینی (ره) بیان می‌دارد: «مهر باید طوری تعیین شود که آن را از ابهام خارج کند. پس اگر یکی از این دو را یا خیاطی یکی از دو لباس را مثلاً مهر قرار دهد، مهر باطل می‌شود، نه عقد... البته تعیینی که در بیع و مانند آن از معاوضات معتبر است، در مهر معتبر نیست. بنابراین مشاهده چیز حاضر کفایت می‌کند؛ اگرچه کیل یا وزن یا تعداد آن را نداند، مانند یک کپه گندم و یک تکه طلا و یک توپ از لباس که مشاهده شده است و یک صبره حاضر از گردو و امثال این‌ها» (امام خمینی (ره)، ۱۴۲۵: ج ۳، ۵۳۱).

بنابراین علم اجمالی به مقدار مهر، کافی است (طباطبایی، ۱۴۱۹: ج ۱۰، ۲۷۸). راز صحت مهر قرار دادن چنین مالی علی‌رغم عدم علم تفصیلی به مقدار آن، رفع کلیت غرر از عوض عقد است (شهید ثانی، ۱۴۳۵: ج ۳، ۲۶۷). ویژگی نکاح این است که همین مقدار از رفع غرر، کافی بوده و غرر جزئی در آن بخشیده شده است (شهید ثانی، ۱۴۳۵: ج ۳، ۲۶۷). از این رو، اگر مقدار واقعی طلای مشاهده شده بیش از مورد انتظار طرفین باشد ایرادی وارد نخواهد کرد. برخی فقیهان تصریح کرده‌اند که ملاک تعیین در مهر، رفع معظم جهالت از آن است. از این رو، آنچه باعث بطلان مهر مسمی می‌شود ابهام و جهل کلی به مقدار آن است (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۳: ج ۴، ۱۴۰). این مبنا تحت عنوان «یغتفر فیہ ما لا یغتفر فی غیره» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۴، ۲۵۷) یاد می‌شود. در چرایی این چشم‌پوشی باید به گوهر نکاح که معاوضه محض نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۱۶۳) توجه کرد. از این رو، فقیهان نکاح را برزخی بین عقود و عبادات قلمداد کرده‌اند (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۶۹).

آیت‌الله زنجانی ذیل بیان محقق حلی در شرایطی که «مهر باید یا با کیل یا با وزن یا با مشاهده و یا با وصف معلوم باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۴۹) و همچنین توضیح صاحب جواهر که «بین این امور تخییر نیست، بلکه بیان تنوع معلومیت است به طوری که معلومیت مکیل، با کیل و معلومیت موزون با وزن و معلومیت معدود با شمارش است» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۰، ۱۶۳)، بیان می‌دارد: «لازم نیست که حتماً مکیل با کیل و موزون با وزن... مشخص شود و لذا اگر مکیل یا موزونی را به وسیله مشاهده، مهریه قرار دهند مقتضای ادله، صحت چنین عقدی است» (زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ۶۰۳۷).

۳-۳. قیاس اولویت در سنجش با تفویض البضع در نکاح

تفویض به معنای واگذار کردن به طرف مقابل است. تفویض در عقود معاوضی، باعث بطلان عقد است. برای نمونه، تفویض ثمن به مشتری در بیع باعث بطلان آن می‌شود؛ زیرا ثمن، شرط صحت آن

است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۱۸۴)، درحالی که در تفویض، موقع عقد، ثمن معلوم نیست و مصداق بیع غرری خواهد بود (خویی، بی تا: ج ۳، ۲۰۰).

در نکاح، گاهی از تفویض بضع یاد می شود و گاهی از تفویض مهر. تفویض بضع، ترک ذکر مهر و شرط عدم مهر در نکاح است (لنگرودی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۱۳۷۷). در مفوضه البضع، اصل مهر در عقد، مهمل گذاشته می شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ۶۷؛ شربینی، ۱۴۳۰: ج ۴، ۳۰۱). ماده ۱۰۸۷ ق.م ایران نیز نکاح بدون مهر را صحیح دانسته و بیان داشته است: «اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین، بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهر المثل خواهد بود». اگر مهر به طور اجمال ذکر شود و رفع اجمال را به نظر زوج یا زوجه یا ثالث واگذار و وابسته کنند زوج، مفوضه المهر خواهد بود (لنگرودی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۱۳۷۷). طبق ماده ۱۰۸۹ ق.م ایران، «ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود. در این صورت، شوهر یا شخص ثالث می تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند».

هر دو قسم تفویض در نکاح، مشروع است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۱۶۳)، درحالی که تفویض ثمن، باطل است. این نشان از ویژگی منحصر به فرد عوضین نکاح است؛ چرا که نکاح، متوقف بر مهر نیست و تلازمی بین این دو نیست، برعکس بیع که ثمن، شرط صحت آن است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۱۸۴). صحت نکاح بدون مهر برخلاف بیع بدون ثمن بدین سبب است که مهر، رکن یا شرط نکاح نیست (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۴۹). البته برخی همچون مالک معتقدند نکاح بدون مهر از باب قیاس به بیع، صحیح نیست که این دیدگاه با توجه به ماهیت نکاح که امری غیر مالی بوده و مقصود از آن، توالد است مردود می شود (زیلعی، ۱۳۱۳: ج ۲، ۱۳۶).

وقتی تفویض مهر و حتی بدون مهر بودن نکاح (تفویض بضع) مشروع است (شهید ثانی، ۱۴۳۵: ج ۳، ۲۶۷)، جهل به بخشی از آن به طریق اولی ایرادی نخواهد داشت. فقیهان نیز علی رغم عقد دانستن نکاح، مهر را به منزله ثمن دانسته اند، نه ثمن حقیقی تا همه احکام ثمن از جمله لزوم علم تفصیلی به آن را داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۱۸۴). البته برخی فقیهان عامه به خاطر ماهیت مهر که عوض معاوضه است، از باب تشبیه به ثمن، معلوم بودن را یکی از شروط مهر دانسته تفویض را استثنا و خلاف اصل دانسته اند (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۵۴). در این بیان هیچ تفکیکی بین علم تفصیلی و اجمالی

نشده، منتها در موارد دیگر (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۴۹). جهل یسیر بی مانع دانسته شده است. تفویض، چه استثنا باشد و چه حکم عام اولی، نشان می‌دهد مهر غرر پذیر است. یادآور می‌شود تفویض مهر، قسمی از مهر مجهول نیست تا با استناد به مشروعیت چنین تفویضی، جهل کلی در مهر هم پذیرفته شود. وجه تغایر تفویض مهر با مهر مجهول این است که در تفویض مهر، مهر در متن عقد با واژه‌های مشترک لفظی یا معنوی ذکر نشده تا تعیین آن به زوج واگذار شود که مصداقی از جهل به مهر به حساب بیاید، بلکه در تفویض مهر، اصل تعیین مهر به زوج یا زوجه واگذار می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ۶۷).

همه این امور به گوهر غیر معاوضی نکاح دائم اشعار دارد. از این رو، در نکاح منقطع که جنبه معاوضی آن غلبه دارد (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۲۰) «عدم مهر در عقد، موجب بطلان است» (ماده ۱۰۹۵ ق.م.ایران). فقیهان تصریح کرده‌اند که نکاح با معاوضات که ثمن و مثنی از طرفین عقد به دیگری منتقل می‌شود، عینیت ندارد تا مهر در مقابل بضع بوده و در چارچوب نکاح، دادوستد بین مهر و بضع رخ دهد. راز این تغایر این است که نکاح، تعهد زوجه بر همسر بودن برای مرد و مثنی در ایجاب عقد نکاح، زوجیت زن برای همسرش است. در قبول نیز، زوج این زوجیت انشا شده از طرف زوجه را متعهد شده و به لوازم آن پایبند می‌شود. در نتیجه، معاوضه حقیقی در بین نیست (بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۴، ۳۸۷ - ۳۸۸).

۳-۴. عرف و سیره

بررسی منابع فقهی و رویه عقلانی متداول در جوامع اسلامی، از جمله سیره متشرعانی که به دوران معصوم (ع) متصل است، نشان می‌دهد که در خصوص صحت مهریه به صورت عین معین (مانند یک باغ) بدون ذکر دقیق مساحت آن، رویه ردکننده‌ای وجود ندارد و عرف معمولاً به مشاهده و شناسایی کلی عین اکتفا می‌کند. بر این اساس، چنین مهریه‌ای صحیح تلقی می‌شود. مطابق نگاه عرفی و سیره پذیرفته شده، امر ضروری در تعیین مهریه، مشخص بودن جنس و نوع آن است و همچنین تعیین مقدار تا حدی که از سوی عقلا لازم است. به این معنا که مقدار باید به گونه‌ای معلوم باشد که از حالت مجهول غیرقابل تأمل خارج گردد. با این حال، دقت و جزئی‌نگری به میزانی که در قراردادهایی مانند بیع و اجاره جهت جلوگیری از غرری بودن معامله لازم است، در مورد مهریه الزامی نیست (زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ۶۰۳۸).

۳-۵. صحت عقد در تبعیت مجهول از معلوم

فقیهان در بطلان بیع مجهول به ضمیمه معلوم عنوان داشته‌اند ضم معلوم به آن، مجهول را از جهالت خارج نمی‌کند. بنابراین مجموع، همچنان مجهول می‌ماند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۰۷). باین حال، برخی این بطلان را مختص بیع خصوص مجهول یا ضمیمه معلوم به آن دانسته‌اند. از این رو، در صورتی که مجهول، تابع معلوم باشد بیع صحیح خواهد بود (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۰۷)، یعنی اگر اصل، معلوم و ضمیمه، مجهول باشد بیع درست است.

وقتی در بیع که عقد مغابنی متکی بر سود و زیان است، ضمیمه مجهول خللی در مبیع معلوم وارد نمی‌کند، در عقد نکاح که عقدی مسامحی است به طریق اولی اخلاص نخواهد کرد. البته این دلیل، اخص از مدعاست؛ زیرا در فرض سؤال این پژوهش فقط صحت ۵۰ سکه از مهریه را تصحیح می‌کند، نه کل مهر را. باین حال، همین مقدار هم که کل مهر باطل نشود در پرونده مطرح شده با لحاظ باطل نشدن مهرالمسمی گره گشا خواهد بود.

۳-۶. رکن نبودن مهر در عقد نکاح

برخی فقیهان عامه ضمن پذیرش علم اجمالی به مقدار مهر با عبارت «جهل یسیر» و قبول غرر در مهر به صورتی که بعداً مرتفع می‌شود، این دو ویژگی را بر رکن نبودن مهر در عقد نکاح مترتب کرده‌اند (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۴۹). رکن نبودن مهر در نکاح نیز به آیه: «لا جناح علیکم ان تطلقتم النساء ما لم تمسوهن او تفرضوا لهن فریضة» (سوره بقره، آیه ۲۳۶) استناد داده شده است؛ چراکه جواز طلاق قبل از تعیین مهر حاکی از رکن نبودن مهر است (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۴۹). یادآور می‌شود مدلول آیه، همان تفویض مهر است که گاهی طرفین بر عدم مهر اتفاق می‌کنند و گاهی مهر حین عقد، معین نمی‌شود. فقهای مالکی، اتفاق بر عدم مهر در نکاح باعث فساد زوجیت می‌دانند (زحیلی، ۲۰۰۸: ج ۷، ۲۵۰).

۳-۷. پذیرش علم اجمالی به مهر در قوانین موضوعه

برابر ماده ۲۱۶ ق.م ایران، مورد معامله نباید مبهم باشد؛ یعنی از لحاظ جسم، وصف و مقدار باید معلوم و مشخص باشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است. در این که در چه مواردی علم اجمالی کافی است و ضابطه آن چیست، علمای حقوق اختلاف نظر دارند. بعضی از استادان حقوق «موارد خاصه» را مواردی می‌دانند که در قانون تصریح شده است؛ مانند دین مورد ضمان یا نوع تجارتي

که عامل (مضارب) در مضاربه باید انجام دهد. برخی دیگر از حقوق‌دانان با استفاده از پاره‌ای موارد قانونی بر آن هستند که فقط در عقود مسامحه که مبتنی بر تسامح و احسان‌اند علم اجمالی کافی است (صفایی، ۱۳۹۱: ۴۱). باین حال، می‌توان عرف را به‌عنوان ضابطه علم اجمالی پذیرفت. در هر موردی که بدون علم تفصیلی، معامله از نظر عرف، غرری و خطرناک نباشد، علم اجمالی کفایت می‌کند (صفایی، ۱۳۹۱: ۴۱). فقها نیز بیشتر غرر را به عرف واگذار کرده‌اند.

درباره مهر، قانون مدنی ایران در ماده ۱۰۷۹ به‌صراحت می‌گوید: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود معلوم باشد». در قوانین احوال شخصیه بیشتر کشورهای اسلامی به این موضوع اشاره‌ای نشده است. قانون احوال شخصیه عراق در ماده ۱۹، فقط از تسمیه مهر سخن گفته، ولی در بند ۲ ماده ۵۲۶ قانون مدنی در ثمن معامله، از لزوم معلوم بودن ثمن به‌طوری که نافی جهل فاحش باشد، سخن گفته است (همچنین ماده ۵۱۴ در لزوم جهل فاحش نداشتن مبیع). از این عبارت برمی‌آید که جهل اندک، خللی به صحت بیع نمی‌کند. وقتی در بیع که ثمن، رکن معامله است و گوهر خود بیع، مغایبی است فقط جهل فاحش مخل دانسته شده، در نکاح به‌طریق‌اولی، جهل یسیر به مقدار مهر، اخلاقی وارد نخواهد کرد. ماده ۴۴ قانون احوال شخصیه فلسطین نیز فقط به تعریف مهر مسمی پرداخته، منتها در ماده ۴۵ در تعیین اجل برای مهر از اخلاص جهل فاحش سخن گفته است که می‌توان کفایت علم اجمالی از منظر این قانون را استظهار کرد؛ چراکه جهل فاحشی در کار نیست. ماده ۵۵ قانون احوال شخصیه کویت نیز فقط از لزوم تسمیه صحیح برای استقرار مهر مسمی سخن گفته و تفسیری از شرایط تسمیه صحیح نکرده است. ماده ۵۳ قانون احوال شخصیه سوریه نیز فقط از عنوان کلی «تسمیه در مهر» سخن گفته و به حدود آن اشاره‌ای نکرده است.

البته چه‌بسا اشکال شود که ماده ۱۱۰۰ ق.م.ایران، جهل در مهر را پذیرفته و گفته است: «در صورتی که مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم، زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم، مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود، مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید».

پاسخ اینکه این جهل، جهل تفصیلی است. از این رو، ماده ۱۰۸۰ همین قانون که محور مهر را تراضی طرفین دانسته، هر مال معلوم هرچند به اجمال را که مورد رضایت طرفین باشد، برای مهر گزاردن مشروع می‌داند.

تنها اشکال جهل به بخشی از مهر در حق حبس متبلور می‌شود. قانون مدنی در ماده ۱۰۸۵ درباره حق حبس بیان داشته که «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند». حال اگر مواردی همچون مهریه مطرح شده در سؤال پژوهش، زوجه برای شروع به ایفای وظایف زوجیت، مهر خودش را مطالبه کند چه روندی باید طی کرد تا حق حبس اجرایی نشود؟ شاید بتوان آن را از راه تخمین متعارف حل کرد؛ یعنی متعارف ماه‌های زندگی مشترک را حساب کرده و به تعداد آن‌ها مبلغ ماهیانه حساب شود. استناد به «تخمین متعارف» با تنظیر به مسائلی همچون «غایب مفقودالاثر» مذکور در ماده ۱۰۱۹ ق.م.ایران (رک: صفایی، ۱۴۰۳: ۵۹) صورت گرفت. باین حال، این اشکال، مسئله‌ای مستقل است و می‌بایست پیرامون آن بررسی‌های فقهی حقوقی کافی صورت بگیرد.

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، نتایج زیر قابل استخراج است:

۱. کفایت علم اجمالی به مقدار مهر: یافته‌ها نشان می‌دهد که علم اجمالی به مقدار مهر برای نفوذ و اعتبار آن کافی است و جهل جزئی به بخشی از مهر، موجب بطلان مهرالمسمی و تبدیل آن به مهرالمثل نمی‌شود.

۲. عدم لزوم علم تفصیلی: ادله‌ای که بر لزوم علم تفصیلی به مهر استناد شده، از جمله روایات «اجر مسمی و اجل مسمی»، دلالت کافی بر اشتراط علم تفصیلی ندارند و عمدتاً ناظر به موارد جهل کلی هستند.

۳. تفاوت ماهوی نکاح با عقود معاوضی: نکاح به‌عنوان یک عقد مسامحی و دارای جنبه‌های عبادی، در مقایسه با عقود مغابنی مانند بیع، از تساهل بیشتری برخوردار است. ازاین‌رو، غرر جزئی در مهر - برخلاف معاملات مالی - قابل اغماض است.

۴. ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی ایران صراحتاً مقرر می‌دارد که مهر باید تا حدی که جهالت زوجین رفع شود، معلوم باشد. این ماده می‌تواند مؤید کفایت علم اجمالی و نفوذ مهر دارای ابهام جزئی است. قوانین احوال شخصیه بیشتر کشورهای اسلامی نیز فقط به اصل تسیه در مهر پرداخته‌اند و اشاره‌ای به اشتراط علم تفصیلی ندارند.

۵. اعتبار عرف و سیره: عرف و سیره عملی در انعقاد نکاح، نشان می‌دهد که علم اجمالی به مهر، مانند تعیین مهر با مشاهده بدون ذکر دقیق مقدار همواره مورد پذیرش بوده و مورد ردع شرعی قرار نگرفته است.

۶. کاربرد عملی در دعاوی: در پرونده‌های مشابه با مهریه ترکیبی (مانند ۵۰ سکه تمام بهار آزادی به همراه ماهیانه مبلغ معین)، زوج مکلف به پرداخت بخش معلوم (۵۰ سکه) و قدر متیقن از بخش مجهول (مبلغ ماهیانه برای مدت زندگی مشترک) خواهد بود.

۷. عدم تأثیر جهل جزئی بر حق حبس: اگرچه جهل به بخشی از مهر ممکن است در اجرای حق حبس زوجه تأثیر گذارد، اما این مسئله مستقل از نفوذ عقد و مهر است و می‌توان با راهکارهایی مانند تخمین متعارف مدت زندگی مشترک، آن را حل نمود.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی، مهر دارای علم اجمالی - حتی با وجود ابهام در بخشی از مقدار آن - نافذ و معتبر است و نیازی به تبدیل آن به مهرالمثل نیست، هرچند این برداشت، استظهار ظنی از ماده قانونی قانون مدنی است و تصریحی در متن قانون یافت نشد.

فهرست منابع

- امامی، سید حسن (بی تا). **حقوق مدنی**. تهران: اسلامیه.
- بجنوردی، سید حسن موسوی (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهية**، قم: الهادی.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق). **الفقه على المذاهب الاربعه**، بیروت: دار الثقلین.
- حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی (بی تا). **کتاب المناهل**، قم: آل البيت عليهم السلام.
- حراغلی، محمدبن حسن (۱۳۷۴ش). **وسایل الشیعه**، قم: آل البيت.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۹۸ش). **کتاب البیع**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۵ق). **تحریر الوسيلة**، ترجمه: اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی (بی تا). **مصباح الفقاهة (المکاسب)**، بی جا: بی نا.
- زحیلی، وهبه (۲۰۰۸م). **الفقه الاسلامی و ادلته**، دمشق: دارالفکر.
- زنجانی، سید موسی شبیری (۱۴۱۹ق). **کتاب نکاح**، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- زلیعی، شمس الدین (۱۳۱۳ق). **تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي**، بولاق: امیریه.
- شربینی، محمد بن محمد (۱۴۳۰ق). **مغنی المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج**، دمشق: دار الفحیاء.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام**، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- شهید ثانی، زین الدین عاملی (۱۴۳۸ق). **الروضة البهیة**، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چهاردهم.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). **کتاب المکاسب**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ق). **تهذیب الاحکام**، تهران: دار الکتب العلمیه.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۶ش). **مختصر حقوق خانواده**، تهران: دادگستر.
- صفایی، سید حسین و حسینی، سید احسان (۱۴۰۳ش). **اشخاص و اموال**، تهران: میزان.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا). **تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية**، مشهد: آل البيت.
- فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق). **إيضاح الفوائد**، قم: اسماعیلیان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸ش). **حقوق خانواده**، تهران: بهسر.
- کاسانی، علاءالدین (۱۴۰۶ق). **بدايع الصنایع**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کاشف الغطاء، احمد بن علی (۱۴۲۳ق). **سفينة النجاة**، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). **أنوار الفقاهة - کتاب النکاح**، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **کافی**، تهران: اسلامیه.
- لنگرودی، محمدجعفر جعفری (۱۳۹۱ش). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.
- محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: آل البيت.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). **شرايع الاسلام**، قم: اسماعیلیان.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). **کتاب النکاح**، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- میرزای شیرازی، محمدتقی (۱۴۱۲ق). **حاشیة المکاسب**، قم: الشریف الرضی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). **جواهر الکلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نیآوردی، ابوالحسن (۱۴۱۹ق). **الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی**، بیروت: دار الکتب العلمیة.